فقر نظریه‌پردازی: پیشنهاد مدلی تحلیلی برای تبیین وضعیت رشد جامعه‌شناسی در ایران

یعقوب موسوی،* مریم رحیمی سجاسی**

چکیده

تاکنون دیدگاه‌های مختلفی در منابع و ادبیات علوم اجتماعی در خصوص وضعیت رشد و توسعه جامعه‌شناسی در ایران مطرح شده است. عده‌ای با استناد به عدم تولید نظریه در این رشته تأکید دارند که جامعه‌شناسی در ایران فاقد رشد و گسترش مطلوب بوده و متناسب با نیازها و مباحث کنونی جامعه ایران توسعه نیافته است. برخی دیگر با توجه به شرایطی که علوم انسانی و جامعه‌شناسی در ایران داشته است، با اشاره به حجم تولیدات علمی در این رشته، وضعیت رشد آن را مطلوب ارزیابی کرده و چشم‌انداز روشنی را برای آینده آن ترسیم می‌کنند. دلایل و عوامل مختلفی ممکن است در تبیین این موضوع قابل بررسی باشند. این مقاله درصدد است بدون ورود به مباحث توسعه‌یافتگی یا توسعه‌نیافتگی جامعه‌شناسی در ایران، با استفاده از عمده‌ترین رویکردها در خصوص چرایی و چگونگی رشد جامعه‌شناسی در جامعه‌ای خاص و استفاده از مصاحبه با تعدادی از استادان جامعه‌شناسی دانشگاه‌های تهران، مدلی تحلیلی برای تبیین وضعیت رشد جامعه‌شناسی در ایران عرضه کند. مدلی که بتوان فرضیاتی از آن استنتاج کرد و در مطالعات عینی و نظام‌مند دیگر آن‌ها را مورد بررسی قرار داد. امیل دورکیم، کارل مانهایم، تامس کوهن و مایکل مولکی از جمله نظریه‌پردازان کلیدی در حوزه تفکر و اندیشه نظری در جامعه‌شناسی علم و معرفت‌اند که دیدگاه‌های آن‌ها در این بررسی در حد لازم مورد استفاده قرار گرفته است. روش مورد استفاده اسنادی ـ تحلیلی، کیفی و مصاحبه ساختاریافته است.

* استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه الزهراء/ mousavi35@yahoo.com

** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

تاریخ دریافت: ۸۹/۶/۲۳ **تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۱/۱۶**

مسائل اجتماعی ایران، سال اول، شماره ۲، زمستان ۱۳۸۹

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-24]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1389.1.8.7.0]

کلیدواژه‌ها: جامعه‌شناسی، تمایزپذیری[1]، یکپارچگی[2]، اجتماع علمی، هویت رشته‌ای، تفکیک و پیوستگی نهادی، تفکیک و پیوستگی معرفتی.

مقدمه و طرح مسئله

ایده‌های جامعه‌شناسی در ایران را می‌توان در اندیشه اجتماعی متفکران یا در خلال مباحث، سیاست‌ها، اقتصاد، مذهب، تاریخ، ادبیات و... ردیابی کرد. با وجود این، آن‌چه تحت عنوان جامعه‌شناسی به مفهوم علمی کلمه مطرح است، تاریخ چندان طولانی در جامعه ما ندارد. جامعه‌شناس آلمانی، «ویل هاس» اندیشه‌های جامعه‌شناسی را برای نخستین بار در سال ۱۳۱۳ به عنوان یک درس به ایران آورد و تحت عنوان «علم‌الاجتماع» در دانشکده ادبیات تدریس کرد. سپس در سال ۱۳۳٦ این درس به صورت رشته‌ای مستقل تحت عنوان علوم اجتماعی در دانشکده ادبیات تأسیس شد و از این پس آرام آرام جامعه‌شناسی در ایران گسترش یافت (محسنی، ۱۳۷۰: ۱۲۲- ۱۱۸).

با تحقق انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ درک و ضرورت تحول در نظام معرفتی در دانشگاه‌های کشور در فرآیند انقلاب فرهنگی و آغاز بازنگری در ارکان این رشته، سرنوشت جامعه‌شناسی در تمام ابعاد دستخوش نقد و ارزیابی مداوم قرار گرفت (توسلی، ۱۳۸۰). پس از چالش‌های دیرپا پیرامون ماهیت و موضوعیت جامعه‌شناسی در ایران و ظهور دیدگاه‌های ساختارشکنانه دربارهٔ چرایی و چگونگی کار جامعه‌شناسی و با وجود احساس نوعی حاشیه‌ای بودن در متن تولیدات نظری دوران معاصر، این رشته توانست به عنوان دانشی پراهمیت، چه در بعد نظری و چه تجربی، جایگاه علمی خود را در مجموعه علوم انسانی کشور پیدا کند. با وجود این، وضعیت رشد و کارآیی آن، همواره از طرف جامعه‌شناسان و نیز اندیشمندان و صاحب‌نظران رشته‌های دیگر مورد سؤال واقع شده است. این‌که جامعه‌شناسی در تبیین مسائل اجتماعی و پیش‌بینی حوادث اجتماعی کارآیی داشته یا در حوزه نظریه‌پردازی دستاورد قابل توجهی ارائه داده، مسئله‌ای است که جامعه منتقدان با دستاویز قرار دادن آن، رشته جامعه‌شناسی را مورد تخطئه قرار داده‌اند. از طرف دیگر عده‌ای از اصحاب جامعه‌شناسی و رشته‌های دیگر شرایط رشد علوم انسانی در ایران را نامناسب دیده و با توجه به این بستر و

[1] Differentiation
[2] Integration

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-24]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1389.1.8.7.0]

تولیدات علمی جامعه‌شناسی (کتاب‌ها، مقاله‌ها، پژوهش‌ها)، دستاوردهای آن را مطلوب فرض کرده‌اند.

با توجه به نکات فوق مقاله حاضر در پی ارائه مدلی تحلیلی برای تبیین وضعیت رشد جامعه‌شناسی در ایران است. به‌طوری که بتوان با استفاده از این مدل، ارزیابی مناسبی از وضعیت این رشته به عمل آورد و با شناخت موانع احتمالی در جهت رفع آن‌ها اقدام کرد. بنابراین مسئله مورد بررسی در این مقاله عبارت است از این‌که چگونه می‌توان وضعیت رشد جامعه‌شناسی در ایران را تبیین کرد؟

مبانی نظری تحقیق

برای تبیین وضعیت رشد رشته‌های علمی مختلف، می‌توان از دو رویکرد استفاده کرد. رویکردی که وضعیت رشته را از حیث عوامل داخلی و محتوای معرفتی مورد بررسی قرار می‌دهد و رویکردی دیگر که در آن به عوامل بیرونی پرداخته می‌شود. البته نمی‌توان نظریه‌پردازان حوزه‌های جامعه‌شناسی علم و معرفت را با اطمینان در این دو رویکرد جای داد. زیرا اکثر آن‌ها در بررسی‌های خود، آگاهانه یا ناآگاهانه به هر دو عوامل بیرونی و محتوایی توجه داشته‌اند. از این حیث نظریه‌پردازانی که در این مقاله در رویکرد بیرونی و یا درونی قرار گرفته‌اند، از جهت بخشی از نظریات‌شان، که در مقاله حاضر مورد توجه بوده این چنین طبقه‌بندی شده‌اند، به‌طوری که می‌توان آن‌ها را از منظری دیگر به گونه دیگری طبقه‌بندی کرد.

در هر حال در این مقاله مبادی نظری مورد نظر برای ارائه مدلی تحلیلی برای تبیین وضعیت رشد جامعه‌شناسی، بر اساس ترکیبی از دیدگاه امیل دورکیم، کارل مانهایم (رویکرد بیرونی)، تامس کوهن و مایکل مولکی (رویکرد درونی) ساخته شده است. با استفاده از دو مفهوم تمایزپذیری و یکپارچگی اجتماعی در فضای درون و بیرون جامعه‌شناسی تلاش می‌شود موضوع فوق مورد بازخوانی و تفحص قرار گیرد.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-24]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1389.1.8.7.0]

رویکرد بیرونی

دورکیم با به‌کارگیری دو مفهوم تمایزپذیری و یکپارچگی اجتماعی، به این مسئله می‌پردازد که افراد جامعه چگونه شرط لازم برای هستی اجتماعی یعنی اجماع اجتماعی را تحقق می‌بخشند؟ او با ایجاد تفکیک بین همبستگی مکانیکی و ارگانیکی به این مسئله اشاره می‌کند که در جوامع جدید، وحدت انسجام‌یافته اجتماع نتیجه تمایز اجتماعی افراد با هم است. به نظر دورکیم جامعه دارای همبستگی مکانیکی، جامعه‌ای بدوی است که در آن یک گروه اجتماعی، نسبتاً جدا از دیگر گروه‌ها و دارای زندگی خاص خویش است. البته دورکیم معتقد است که گاهی در برخی از جوامع پیشرفته و دارای انسجام ارگانیکی نیز ساخت محلی و یا تیره‌ای به نوعی باقی می‌ماند. زیرا تمایزپذیری و تقسیم کار امری سطحی است که ممکن است در نتیجه تقلید و ظاهرسازی رخ داده باشد. براین اساس منشأ تمایزپذیری مدّ نظر دورکیم، از هم پاشیدگی انسجام ساختگی و شالوده قطاعی یا تیره‌مانند جامعه است. اما این به معنای نبود انسجام در جوامع پیشرفته و تمایزیافته نیست. بلکه در این جوامع میزانی از وجدان جمعی ـ هرچند ضعیف‌تر از جوامع بدوی ــ وجود دارد که پایه‌های انسجام اجتماعی را پی‌ریزی می‌کند (نقل از آرون، ۱۳۸۱: ۳٦۱ – ۳٦۵).

به همین ترتیب در حوزه جامعه‌شناسی علم نیز هرقدر میزان تمایز فرهنگی و ساختی در جامعه ـ تفکیک قلمروهای اجتماعی و تخصصی‌شدن نقش‌ها ـ بیشتر شود، موقعیت برای پیشرفت علم مطلوب‌تر است. به نظر وی افزایش حجم و تراکم جامعه، شرایطی را ایجاد می‌کند که در آن تخصص‌پذیری بیشتر، کار بیشتر و استفاده بیشتر از استعدادها به توسعه علم، هنر و فعالیت اقتصادی منجر می‌شود. در اندیشه او تقسیم کار خاص جهان اقتصادی نیست، بلکه از عوامل مؤثر بر رشد علم است: «در قرن نوزدهم دانشمند نه تنها هم‌زمان دست‌اندرکار علوم متفاوت نیست، بلکه حتی توانایی احاطه یافتن بر تمامی یک رشته علمی را هم ندارد» (دورکیم، ۱۳۸۱: ۲۹۹ و ۲۵۷ و ٤۲).

دورکیم در مقابل تأکید بر تمایزپذیری اجتماعی، بر وجود میزانی از وجدان عمومی و یکپارچگی اجتماعی برای رشد علم تأکید می‌کند و می‌گوید: پیشرفت تقسیم کار ناشی از فشارهایی است که واحدهای اجتماعی بر یکدیگر وارد می‌کنند و همدیگر را وادار می‌کنند تا در جهاتی بیش از پیش متباین توسعه یابند. اما در مقابل این فشارها، هر لحظه فشار مخالف

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-24]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1389.1.8.7.0]

دیگری وجود دارد که از ناحیه وجدان عمومی بر وجدان فردی وارد می‌شود. هر قدر این وجدان عمومی عام شود، جای بیشتری برای تغییرها و نوسان‌های فرد باز می‌گذارد (همان:۲۵۱، ۲۵۳ و ۲۵۷).

بنابراین در اندیشه دورکیم تمایز بین قلمروهای مختلف معرفت و عدم تسلط آن‌ها بر یکدیگر از عوامل مهم تولید و رشد علم است. به‌طوری که می‌توان گفت رشد و تولید علم منوط به تغییر شکل اجتماع به جامعه و به دنبال آن تمایزپذیری و تخصص‌گرایی است. البته پیشرفت علم در تماس پیوسته با قسمت‌های دیگر نظام فکری جامعه نیز قرار دارد. یعنی ما شاهد تعادل پویای نهادهای اجتماعی هستیم که در آن نهادها در چارچوب بزرگ‌تر ساخت اجتماعی اقتصادی موجود در یک زمان و مکان، در کنش متقابل با هم رشد می‌کنند (توکل، ۱۳۷۰: ۹۹). بر این اساس در اندیشه دورکیم، گسترش تمایزپذیری اجتماعی به معنای عدم تعامل گروه‌ها و نهادها با یکدیگر نیست. بلکه در نتیجه تمایزپذیری نوع خاصی از انسجام اجتماعی به وجود می‌آید که مبنای همبستگی در آن ، تفاوت و نیاز متقابل انسان‌ها و نهادها به یکدیگر است. در این شرایط نهادها مستقل از یکدیگر به ایفای نقش خود می‌پردازند و برای پیشبرد اهداف خود، نوع تازه‌ای از تعامل و ارتباط متقابل را در پیش می‌گیرند که عاری از تسلط آن‌ها بر یکدیگر است: «رشد اندازه جوامع بشری و تمایزپذیری رو به تزاید آن‌ها فعالیت نظری را به‌طور فزاینده‌ای از جبر اجتماعی آزاد می‌سازد و شرایط ظهور تفکر علمی را فراهم می‌کند» (دورکیم، به نقل از مولکی ۱۳۷٦: ۱۷-۱٦).

مانهایم نیز در پی بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر رشد علم، بر رشد اجتماع و شکل‌گیری جامعه طبقاتی تأکید کرده و با ایجاد ارتباط میان نظریه‌پردازی و نوع روابط گروهی، گروه‌های وابسته به خاستگاه پیش از سرمایه‌داری را، که در آن‌ها عنصر قومی تسلط دارد و سنت‌ها یا عواطف همگانی عامل پیوند آن‌هاست، فاقد تفکر نظری می‌داند. به نظر مانهایم در گروه‌هایی که اصولاً چنان پیوندهای ارگانیکی زندگانی جمعی را به هم پیوند نمی‌دهند ولی همان مقام‌ها و مناصب مشابه را در نظام اجتماعی ـ اقتصادی اشغال می‌کنند، نظریه‌پردازی نه تنها امکان‌پذیر است، بلکه شرط لازم پیوند آن‌هاست. از منظر جامعه‌شناسی، نیاز به نظریه نمایشگر جامعه‌ای طبقاتی است که در آن نه هم‌جواری مکانی بلکه شرایط و اوضاع مشابه زندگانی در یک سپهر گسترده اجتماعی اشخاص را گرد هم می‌آورد. پیوندهای عاطفی تنها

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-24]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1389.1.8.7.0]

در حوزه مکانی محدودی مؤثر و نتیجه‌بخش است. حال آن‌که جهان‌بینی نظری قدرت یگانه‌کننده‌ای در مورد فاصله‌های زیاد مکانی دارد.

علاوه بر این، مانهایم تحرک افقی همراه با تحرک عمودی را از عوامل مؤثر بر رشد علم می‌داند: در تحرک افقی از وجود اندیشه‌های متفاوت، مطّلع می‌شویم. اما قدرت این را نداریم که به درستی اندیشه خویش شک کنیم یا به وحدت و هم‌شکلی اندیشه به‌طور کلی پی ببریم. زیرا در تحرک افقی، سنت‌های گروهی و ملی شکسته نشده است. اما هنگامی که تحرک افقی با تحرک شدید عمودی، یعنی حرکت سریع میان قشرها به معنای صعود و نزول همراه شود، اعتقاد شخص به اعتبار کلی صورت‌های اندیشه خود متزلزل می‌گردد. زیرا تحرک عمودی عاملی است که در آن مردم به جهان‌نگری سنتی‌شان شک می‌کنند و بدان نامطمئن می‌شوند. البته در این شرایط، ناهمگونی وجوه اندیشه طبقه‌های مختلف، هرگز در یک و همان ذهن به یکدیگر نزدیکی نمی‌جویند و از این رو نمی‌توانند به صورت یک مسئله درآیند. بلکه تغییر قطعی هنگامی روی می‌دهد که سیر پیشرفت تاریخی به مرحله‌ای رسیده باشد که در آن قشرهای قبلاً جدا شده از یکدیگر، ارتباط با یکدیگر را آغاز کنند و گردش اجتماعی معینی از سر گرفته شود. به‌طوری که صورت‌های اندیشه و تجربه که تا آن زمان به‌طور مستقل از هم تکامل یافته‌اند، در شرایط جدید وارد مرحله‌ای شوند که در آن، ذهن امکان پیشروی به سوی کشف آشتی‌ناپذیر مفاهیم و دریافت‌های متضاد از جهان را داشته باشد (مانهایم، ۱۳۸۰: ۱۸٦و ٤٣ – ٤٢).

به همین ترتیب مانهایم اگرچه جهانی‌گرایی اندیشه بورژوازی را از علل رشد علم می‌داند (نقل از مولکی، ۱۳۷٦)، از توجه به موقعیت‌های منحصر به فرد غفلت نمی‌کند. مانهایم مشارکت در زندگی اجتماعی را لازمه درک فرآیندهای خاصی محسوب می‌کند. به زعم وی در بعضی از موارد اتخاذ دیدگاهی ویژه و خاص که از تعلق اجتماعی- فرهنگی عامل شناسایی برمی‌خیزد، حصول معرفت را ممکن می‌سازد. به علاوه خاص‌گرایی به معنای تعلق اجتماعی- فرهنگی و سیاسی، نیروی انگیزشی لازم برای فعالیت علمی را فراهم می‌کند (همان: ۱٦۰). به این ترتیب ملاحظه می‌شود که مانهایم نیز مانند دورکیم، اگرچه تمایزپذیری و شکل‌گیری واحدهای جمعی وسیع، ناهمگن و جامعه طبقاتی را برای رشد علم ضروری می‌داند، وجود میزانی از همبستگی و یکپارچگی اجتماعی را که به علایق قومی یا اجتماعی

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-24]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1389.1.8.7.0]

خاص بینجامد و توجه به موقعیت‌های خاص را به همراه داشته باشد، نیز برای تولید علم مهم می‌شمارد.

رویکرد درونی

مولکی از تعامل قلمروهای مختلف معرفتی در رشد و تولید علم سخن گفته و تأثیر قلمروهای خارج از علم هم‌چون اشکال روزمره گفتار، ادراک و عمل، مباحث کلامی، فلسفی و اجتماعی را در تکوین و تحول معرفت علمی تحلیل می‌کند. به نظر وی مبادله فرهنگی مداومی بین علم و جامعه وجود دارد و منابع تفسیری از خلال تفکر غیررسمی وارد علم می‌شود. این منابع در جریان مذاکره و بده بستان غیررسمی تغییر می‌کنند و تنها پس از صورت‌بندی مناسب، اجازه می‌یابند به گزارش‌ها و منابع علمی وارد شوند. ناکامی تفسیر، زمینه نفوذ فرآیندهای خارجی را در علم فراهم می‌کند و هنگامی که ثابت شود حل مسائل موجود با استفاده از منابع مفهومی و روش‌شناختی درونی دشوار است، دانشمندان به حوزه‌های فرهنگی دیگر روی می‌آورند. تحول علمی تا حدی تحت تأثیر کنش‌ها و فرآورده‌های فرهنگی افراد غیردانشمند و تا حدی تحت تأثیر کنش‌ها و مکتسبات فرهنگی خود دانشمندان در زمینه‌های غیرعلمی قرار دارد. معرفت علمی جزیی از نقل و انتقال پیچیده منابع فرهنگی در سراسر جامعه است و دانشمند در آن به دو منبع اصلی فرهنگی دسترسی دارد: یکی آن‌که توسط اجتماع علمی فراهم می‌شود و دیگر آن‌که جامعه وسیع‌تر فراهم کرده است (مولکی، ۱۳۷٦: ۱۷۷–۱۹۸ و ۲۱۳).

به این ترتیب می‌توان دو مفهوم تمایزپذیری و یکپارچگی اجتماعی دورکیم را در اندیشه مولکی نیز ردیابی کرد. مولکی اگرچه به تمایز بین دو نهاد علم و جامعه قائل است، اما آن‌ها را بی‌ارتباط با یکدیگر نمی‌داند. او مبادله فرهنگی مداومی را بین علم و جامعه تشخیص می‌دهد که طی آن منابع تفسیری از خلال تفکر غیررسمی وارد علم می‌شود. این منابع در جریان مذاکره و بده بستان غیررسمی پالایش یافته و پس از صورت‌بندی مناسب، اجازه ورود به گزارش‌ها و منابع علمی را پیدا می‌کنند. پس تحول علمی تا حدی تحت تأثیر کنش‌ها و فرآورده‌های فرهنگی افراد غیردانشمند و تا حدی تحت تأثیر کنش‌ها و مکتسبات فرهنگی خود دانشمندان در زمینه‌های غیرعلمی قرار دارد (مولکی، به نقل از قانعی‌راد، ۱۳۸۳: ۱۷).

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-24]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1389.1.8.7.0]

یعنی دو نهاد علم و جامعه اگرچه در ماهیت با یکدیگر متفاوت‌اند و در روند پیشرفت جوامع برای بهبودی ایفای نقش‌های خود از هم تمایز یافته‌اند، از آن‌جا که به دستاوردها و منابع یکدیگر نیاز دارند در تعامل با یکدیگر به سر می‌برند.

به علاوه در اندیشه مولکی «دانشمندانی که بیش از یک نقش دارند، مانند پزشک محقق، یا دانشمندان حاشیه‌ای که بیش از دانشمندان دیگر با سایر حوزه‌ها و رشته‌ها ارتباط دارند، بیشتر از شخصیت‌های اصلی حوزه پژوهش، در نوآوری علمی دخیل‌اند» (مولکی، به نقل از گلوور و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۱۳). یعنی تعامل دانشمندان رشته‌ای خاص با دانشمندان رشته‌های دیگر و داشتن نگاه بین رشته‌ای نیز از عوامل مؤثر بر رشد علم است.

علاوه بر این، مولکی یکی از راه‌های پیشرفت علم را تشکیل اجتماع علمی می‌داند: او برای تبیین فعالیت‌های علمی الگوی بسته بودن را مناسب‌تر از الگوی باز بودن می‌داند. یعنی تأکید بر تعهدات فکری یا التزام به مجموعه‌ای از پیکره‌های شناختی، روشی و شیوه طرح و حل مسائل که در اجتماع علمی مورد اجماع قرار گرفته است (نقل از قانعی‌راد، ۱۳۸٤: ۱۵۹). به نظر وی اجتماعات به دلیل نیاز به ارتباطات وجود دارند، بنابراین می‌توان گفت مولکی نیز در پرتو دو مفهوم تمایزپذیری و یکپارچگی نه تنها تشکیل اجتماع علمی در هر رشته را یکی از عوامل مؤثر بر رشد علم می‌داند، بلکه معتقد است علت شکل‌گیری اجتماعات جدایی و انزوا از جامعه یا علوم دیگر نیست، بلکه ارتباط بیشتر اعضا با یکدیگر و نیز با اجتماعات علمی دیگر است.

کوهن، نهاد علم و اشتغال علمی را بیش از سایر حرفه‌ها به ارزیابی درونی وابسته می‌داند. یعنی برای این‌که نظریه و روش در هر علمی مولد و پویا باشد، باید اجتماع علمی خاص آن علم وجود داشته باشد که از طریق اقتدار الگویی، به رشد علم منجر شود. منظور از اقتدار الگویی همان اجماع ارزشی و اعتقادی در هر علم است. به زعم وی اجتماعات علمی رشد یافته به‌طور مقایسه‌ناپذیری در مقابل نفوذ تقاضاها و الزامات بیرونی مقاوم‌اند (نقل از قانعی‌راد، ۱۳۸۳: ۷ و ۸ و ۱۱) و یکی از نیرومندترین قوانین نانوشته زندگی علمی، ممنوعیت توسل به سران کشورها یا توده مردم در تأیید یا ترویج مسائل علمی است. در صورت وجود اقتدار الگویی، دانشمند هنگام مطالعه علمی یک پدیده، نیازی به آن ندارد که برای ساخت فضای بحث خود از نو تلاش کند و به اثبات اصول اساسی بپردازد که کار خود را بر مبنای آن‌ها

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-24]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1389.1.8.7.0]

آغاز کرده است. به این دلیل وقتی در علمی اجماع صورت گرفت، مثال‌واره‌ها که هم‌چون حامل و ظرف نظریه علمی است به دانشمند می‌گوید که پدیده مورد بررسی مشتمل بر چه چیزهایی است، چه چیزهایی را در بر ندارد و رفتار این چیزها از چه قرار است. در نتیجه می‌توان جزییات هر پدیده‌ای را از طریق پژوهش‌های علمی بالغ تعیین کرد (کوهن، ۱۳۶۹: ۱٦٦، ۳٤ و ۱۱۲).

به عبارت دیگر گسترش یکپارچگی اجتماعی در درون فضای علم، از طریق ایجاد اجتماع علمی منجر به رشد علم می‌شود. اجتماع علمی که در نتیجه تمایزپذیری قلمروهای علمی و یکپارچگی اعضای رشته‌ای علمی ایجاد شده، از طریق اقتدار الگویی ضمن حفظ استقلال نهاد علم از نهادهای دیگر، در صورت نیاز به تعامل با آن‌ها می‌پردازد، اما اجازه نمی‌دهد الزامات و هنجارهای بیرونی قواعد آن را تعیین کند.

چارچوب نظری

بر اساس مفاهیم نظری دورکیم، مانهایم، مولکی و کوهن می‌توان گفت دو ویژگی ساختاری و معرفتی تمایزپذیری و یکپارچگی در نظام اجتماعی و خرده‌نظام علم، مانع تسلط یک بخش بر بخش‌های دیگر شده است و از طریق تقسیم وظایف بخش‌های مختلف، دست‌یابی به اهداف نظام اجتماعی را امکان‌پذیر می‌سازد. برای مثال اگر یک بخش از ساخت اجتماعی مانند دولت بر ساخت‌های دیگر مانند علم تسلط یابد، وفاداری ساخت‌های دیگر نسبت به آن طلبیده می‌شود. در نتیجه از دانشمندان خواسته می‌شود، وابستگی خود را به تمام هنجارهای نهادی دانش، که به نظر مقامات سیاسی با هنجارهای دولت در تضاد است، کنار بگذارند. در این شرایط هنجارهای اخلاق علمی، قربانی هنجارهای سیاسی می‌شوند؛ همان‌طور که در جوامع غیردموکراتیک، ناسازگاری اخلاقیات علم و قانون سیاسی که بدون مراعات مرام شغلی بر همه تحمیل می‌شود، به برخورد نهاد علم و سیاست منجر می‌شود. زیرا بر اساس اخلاقیات علم، نظریه‌ها یا تعمیم‌ها بر حسب ثبات منطقی و میزان انطباق‌شان با واقعیت ارزیابی می‌شوند، اما در اخلاق سیاسی معیارهای بی‌ربط نژاد و مرام سیاسی نظریه‌پرداز نیز وارد ارزیابی می‌شوند (توکل، ۱۳۷۰: ۱۵۰-۱۵۳). در این میان دانش جامعه‌شناسی به دلیل ویژگی‌های خاص خود، برای رشد و بالندگی بیش از رشته‌های دیگر به استقلال نیاز دارد. تا

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-24]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1389.1.8.7.0]

جایی که بسیاری از اندیشمندان معتقدند جامعه‌شناسی در جوامع غیردموکراتیک، به‌خصوص در شکلی اصیل و صاحب رسالت، نمی‌تواند تکوین یابد. زیرا آگاهی کلی اجتماعی در این‌گونه جوامع سرکوب شده و امکان بررسی آزادانه آن وجود ندارد. در نتیجه در این جوامع افکار ایدئولوژیک جایگزین ظهور دانش می‌شود (آشتیانی، ۱۳۸٤: ۳۳۷).

بنابراین تمایزپذیری در بیرون از فضای علم منجر به تفکیک قلمروهای سیاسی، اجتماعی و... از یکدیگر می‌شود و از دخالت یا تسلط قلمروهای مختلف در امور یکدیگر جلوگیری می‌کند. به‌طوری که نبود میزان قابل توجهی از تمایزپذیری ساختی بین نهادهای مختلف از طریق تسلط ساخت سیاسی (دولت) بر ساخت فرهنگی (دانش) مانع رشد علم می‌شود و یا به تعبیر مانهایم به شکل‌گیری تفکر ایدئولوژیک و عدم رشد شک علمی می‌انجامد.

به همین ترتیب تمایزپذیری از نظر معرفتی نیز منجر به تفکیک قلمروهای معرفتی مانند قلمرو علم، فلسفه، دین و... شده و شرایط رشد هریک را فراهم می‌کند. هم‌چنین از طریق ایجاد استقلال رشته‌ای، منجر به شکل‌گیری هویتی خاص برای رشته‌های گوناگون علمی از جمله جامعه‌شناسی می‌شود.

ویژگی ساختاری دیگر جامعه یعنی یکپارچگی اجتماعی در درون فضای علم از طریق اجماع اعضای رشته‌های علمی و تشکیل اجتماع علمی و نیز ایجاد تعامل با اجتماعات علمی و اندیشه‌های کشورهای دیگر به رشد علم می‌انجامد. ویژگی مذکور در بیرون از فضای علم با ایجاد تعامل بین جامعه و نهاد علم (توجه به مسائل و واقعیت‌های جامعه) و نیز پیوستگی معرفتی یعنی نقد و بررسی اندیشه‌های گذشته در مواجهه با واقعیت‌های روز جامعه، شرایط رشد جامعه‌شناسی را فراهم می‌کند.

به این ترتیب می‌توان گفت تمایزپذیری و یکپارچگی اجتماعی به عنوان دو ویژگی ساختاری و معرفتی جوامع، اگر به شکل درون‌زا و به‌طور هم‌زمان در جامعه‌ای به وجود آید، به‌طوری که تمایزپذیری نه بر اساس تقلید و ظاهرسازی، بلکه در نتیجه تراکم مادی و معنوی و نیاز جامعه به تداوم حیات خود شکل گرفته باشد و یکپارچگی اجتماعی بر اساس نیاز متقابل واحدها و قلمروهای تمایز یافته به یکدیگر به وجود آمده باشد، در آن صورت قلمرو علم مانند قلمروهای دیگر به رشد مطلوب خود دست می‌یابد. ترکیب دو ویژگی ساختاری و معرفتی تمایزپذیری و یکپارچگی در درون و بیرون از فضای علم، در شکل ۱ نشان داده شده

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-24]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1389.1.8.7.0]

است. اما برای دست‌یابی به مدل پیشنهادی مقاله نمی‌توان تنها به این نظریات استناد کرد، زیرا ممکن است شرایط جامعه ایران یا جامعه‌شناسی در ایران با جوامع دیگر یا علوم دیگر متفاوت باشد. بر این اساس برای تبدیل مفروضات به شاخص، در ادامه اسناد حاصل از مصاحبه با صاحب‌نظران جامعه‌شناسی مورد تحلیل قرار می‌گیرد تا مدل پیشنهادی مورد نظر از اتقان بیشتری برخوردار شود.

شکل ۱. ترکیب دو ویژگی ساختاری و معرفتی تمایزپذیری و یکپارچگی در درون و فضای بیرون جامعه‌شناسی

روش تحقیق

روش مورد استفاده در پژوهش حاضر روش کیفی[1] بوده است. این روش مبتنی بر دیدگاه شناختی هرمنوتیک[2] است که با تفسیر و تأویل متن، معنی و مفهوم نهفته در آن را کشف می‌کند (حافظ‌نیا، ۱۳۸٤: ۱۰) . در این مقاله به منظور تبدیل چهارچوب نظری به مدل تحلیلی پیشنهادی، از مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته یا عمیق استفاده شده است. بنابراین، متن مورد مطالعه در این پژوهش حاصل گفتگو با دوازده تن از استادان جامعه‌شناسی دانشگاه‌های تهران است که

[1] Qualitative
[2] Hermeneutics

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-24]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1389.1.8.7.0]

از سوابق آموزشی، علمی و تحقیقاتی برخوردار بوده‌اند. پرسش‌ها بر اساس چهارچوب نظری ساخته شده و برای تأمین اعتبار آن‌ها از نظر سایر متخصصان استفاده شده است. در نهایت متن حاصل از مصاحبه‌ها، مورد نقد و بررسی قرار گرفت و به کمک آن‌ها شاخص‌ها و معرف‌های مربوط به مقوله‌های استخراج شده از چهارچوب نظری پژوهش، سازمان‌دهی شده است. در ادامه ابتدا نتایج حاصل از مصاحبه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس چگونگی ارتباط آن‌ها با چهارچوب نظری پژوهش آشکار می‌شود.

نتایج حاصل از مصاحبه‌ها

۱) تفکیک قلمروهای مختلف فکری

تفکیک قلمروهای مختلف فکری ـ تمایز در سیستم‌های مختلف فکری در جامعه ـ موضوعی است که از نظر استادان مصاحبه‌شونده برای رشد علم مورد تأکید قرار گرفته است. به نظر آن‌ها میزان تفکیک قلمروهای فکری از طریق پیامدهای زیر به رشد علم می‌انجامد: میزان تسلط قلمروهای مختلف فکری بر یکدیگر، میزان به رسمیت شناختن تخصص‌های مختلف و حمایت از آن‌ها، میزان اعتماد به تخصص‌ها و مراجعه به آن‌ها، میزان هم‌سویی تغییرات سازمانی، ارزشی و نظام‌های فکری با یکدیگر، میزان تعامل قلمروهای مختلف فکری و اعضای آن‌ها با یکدیگر.

۲) تفکیک قلمروهای نهادی و استقلال نهاد علم از نهاد سیاست

به نظر مصاحبه‌شوندگان، تمایزپذیری علاوه بر نظام‌های مختلف فکری در قلمروهای مختلف اجتماعی نیز باید وجود داشته باشد تا از طریق آن وظایف و اهداف قلمروهای مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... از یکدیگر تفکیک شود و هر قلمروی برای تداوم حیات نظام اجتماعی، ضمن حفظ استقلال از قلمروهای دیگر در تعامل با آن‌ها به سر برد. در نتیجهٔ استقلال نهادهای علمی، منطق علم بر فعالیت‌های علمی و فعالیت‌های کارگزاران دانش، حاکم می‌شود. اما ضعف استقلال نهادهای علمی به تسلط نهاد قدرت بر نهاد علم و حاکمیت منطق قدرت بر دانش می‌انجامد. مصاحبه‌شوندگان معتقدند، تفکیک نهادها مجموعه‌ای از پیامدهای

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-24]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1389.1.8.7.0]

عینی و ذهنی را به دنبال خواهد داشت که به رشد جامعه‌شناسی خواهد انجامید. این پیامدها عبارت‌اند از:

الف) پیامدهای عینی: میزان استقلال دانشگاه‌ها، میزان شایسته‌سالاری علمی و دخالت دولت در سلسله‌مراتب علمی دانشگاهی، میزان شکل‌گیری نهاد علمی به جای سازمان علمی، میزان وابستگی مالی دانشگاه‌ها به دولت، میزان احساس امنیت نخبگان، مهاجرت و انزوای آن‌ها، میزان اعتماد دولتمردان به جامعه‌شناسی و حمایت‌های ساختاری و تقاضا نسبت به آن، وضعیت توزیع عادلانه اطلاعات برای انجام پژوهش، وضعیت زمان چاپ آثار علمی و نظام‌های نظارتی حاکم بر چاپ اثر.

ب) پیامدهای ذهنی: میزان شکل‌گیری اندیشه واکنشی و ایدئولوژیک، میزان ارزش‌گذاری اندیشه‌های اجتماعی بیان شده، وضعیت منزلت نقد و نقادی، میزان محافظه‌کاری جامعه‌شناسان در بیان نظر واقعی در مورد مسائل گوناگون اجتماعی، میزان امکان ورود پژوهش‌گران به بررسی مسائل و میزان هراس آن‌ها از اعلام نتایج واقعی بعضی از پژوهش‌ها.

۳) استقلال علم و شکل‌گیری هویت رشته‌ای

تمایزپذیری در درون فضای جامعه‌شناسی منجر به شکل‌گیری هویت رشته‌ای برای جامعه‌شناسان و تخصص‌گرایی در مراتب علمی جامعه‌شناسی می‌شود. ضمن مصاحبه‌ها، پیامدهای زیر برای وضعیت استقلال علم جامعه‌شناسی عنوان شده است: میزان توجه دقیق و عمیق پژوهش‌گران به مسائل، میزان تخصص‌های مختلف برای رشته جامعه‌شناسی مانند جامعه‌شناسی نظری و...، تعداد دروسی که یک استاد تدریس می‌کند، میزان مطالعات بین رشته‌ای و دید میان‌رشته‌ای، وضعیت منزلت اجتماعی جامعه‌شناسان.

٤) وجود اجتماع علمی

به نظر مصاحبه‌شوندگان اجماع اصحاب جامعه‌شناسی و وجود اجتماع قوی در این رشته یکی از عوامل مؤثر بر رشد جامعه‌شناسی است. آن‌ها معتقدند وجود اجتماع علمی به صورت‌های زیر موجب رشد جامعه‌شناسی خواهد شد.

الف) همکاری علمی در بین جامعه‌شناسان: میزان کتاب‌ها و پژوهش‌های مشترک بین استادان، میزان انجام کار جمعی مدنی به جای کار جمعی بوروکراتیک، میزان ارجاع

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-24]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1389.1.8.7.0]

جامعه‌شناسان به یکدیگر، وضعیت پاداش برای کارهای گروهی، وضعیت نظام ارتقای کنش‌گران جامعه‌شناسی، میزان رابطه پایدار بین استادان و دانشجویان، میزان تعامل و گفتگوی اعضا با یکدیگر، میزان ارزیابی و نقد کارهای یکدیگر، میزان اطلاع از دستاوردهای یکدیگر.

ب) وجود اجتماع علمی در رشته جامعه‌شناسی: تعداد افراد شاخص در این رشته، میزان توافق در مورد اصول بنیادی رشته جامعه‌شناسی، میزان اتفاق نظر بین اصحاب جامعه‌شناسی در مورد مسائل اساسی ایران، تعداد مجلات، فصلنامه‌ها و حلقه‌های فکری برجسته، میزان اعتبار مجله‌های موجود، وضعیت اخلاق علمی، میزان دوام اندیشه‌های اجتماعی و تمرکز پژوهش‌ها و مطالعات، وضعیت سطح دانش، استعداد، انگیزه و مهارت افراد (سطح فرهیختگی و مهارت).

۵) تعامل جامعه‌شناسی با نهادهای علمی کشورهای دیگر

به نظر مصاحبه‌شوندگان، نظریات و ایده‌های رایج در علوم انسانی و اجتماعی غربی، بدون تطبیق با شرایط کشورهای دیگر مورد استفاده پژوهش‌گران و دانشگاهیان قرار می‌گیرد، که این امر مانع رشد علم در این جوامع خواهد بود. به عنوان مثال العطاس یکی از مشکلات جامعه‌شناسی در جوامع غیرغربی را نفوذ اروپا در انتخاب مسائل، مدل‌ها، روش‌ها، تکنیک‌ها و حتی پیشینه تحقیق در این کشورها و نیز نفوذ و سلطه قدرت‌های علوم اجتماعی (امریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان) بر روشن‌فکری این کشورها می‌داند (العطاس، ۲۰۰۱: ۵۱). استادان مصاحبه‌شونده معتقدند چگونگی استفادهٔ جامعه‌شناسان از مفاهیم و نظریه‌های غربی و نیز مشارکت آن‌ها در اجتماعات علمی جهانی می‌تواند یکی از عوامل مهم در تبیین وضعیت جامعه‌شناسی در ایران باشد. این دو متغیر از طریق پیامدهای زیر وضعیت رشد جامعه‌شناسی را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

الف) میزان ارتباطات بین‌المللی جامعه‌شناسی ایران: میزان همکاری با جامعه‌شناسان کشورهای دیگر در طرح‌های ملی، میزان همکاری با انجمن‌های علمی کشورهای دیگر مانند شرکت در سمینارها و...، میزان عرضه تولیدات داخلی در سطح جهانی (با توجه به مشکلات سیاسی و زبان بین‌المللی)، میزان امکانات تعاملی مانند اینترنت پرسرعت و اخذ ویزا، میزان تأکید بر جامعه‌شناسی بومی و محلی.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-24]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1389.1.8.7.0]

ب) چگونگی استفاده جامعه‌شناسان ایرانی از مفاهیم و نظریه‌های غربی: میزان نگرش تحلیلی انتقادی به مفاهیم و نظریه‌های وارداتی و میزان تطبیق آن‌ها با شرایط اجتماعی و فرهنگی، وضعیت ارزش‌های مورد تأکید در آموزش از نظر تقلید، حفظ و ترجمه یا خلاقیت و نوآوری، میزان ارتباط بین نظریه‌ها، محیط پیرامون و پژوهش، وضعیت تدریس نظریه‌ها و میزان استفاده از نظریه‌های عمومی، وضعیت چهارچوب‌های مفهومی و نظری موجود در رشته از حیث وارداتی یا بومی بودن، میزان اعتماد به نفس و اعتماد به یافته‌ها و عقاید خودی.

٦) تعامل جامعه‌شناسی با جامعه و واقعیت‌های اجتماعی آن

در اندیشه اکثر مصاحبه‌شوندگان وجود میزانی از پیوستگی و یکپارچگی در بیرون از فضای جامعه‌شناسی از طریق تعامل جامعه‌شناسی با جامعه و واقعیت‌ها و مسائل آن شرایط رشد جامعه‌شناسی را فراهم می‌کند. در صورت نبود پیوستگی، نهادهای موجود در سطح جامعه مانند نهاد علم مستقل از یکدیگر عمل می‌کنند. در نتیجه جامعه‌شناسی که باید در نتیجه بررسی مسائل اجتماعی رشد یابد، از رشد لازم بازمی‌ماند. استادان مصاحبه‌شونده معتقدند تعامل جامعه‌شناسی و جامعه به واسطه پیامدهایی وضعیت رشد جامعه‌شناسی را تبیین خواهد کرد: میزان طرح نظریه و ارائه راه‌کار برای مسائل اجتماعی توسط افراد غیرمتخصص، میزان احساس نیاز به جامعه‌شناسی و تقاضا از آن، میزان سرعت عمل جامعه‌شناسان در برخورد با مسائل اجتماعی، میزان مسائل اجتماعی حل شده و کارآیی جامعه‌شناسی در عمل، میزان آگاهی جامعه‌شناسان از مسائل موجود، وضعیت جامعه‌شناسی تحلیلی در ایران.

٧) نحوه برخورد با مفاهیم و اندیشه‌های گذشتگان

مصاحبه‌شوندگان معتقدند یکپارچگی در بیرون از فضای جامعه‌شناسی علاوه بر تعامل جامعه و جامعه‌شناسی از طریق پیوستگی معرفتی نیز وضعیت رشد جامعه‌شناسی را تبیین می‌کند. به نظر آن‌ها توجه به اندیشه‌های موجود در جامعه از یک طرف و استفاده از اندیشه‌های جوامع دیگر از طرف دیگر به رشد علم منجر می‌شود. اما معتقدند استفاده از اندیشه‌های گذشته نباید به غرور ملی منجر شود و از توجه به اندیشه‌های دیگران جلوگیری کند یا با به‌کارگیری بدون نقد اندیشه‌های گذشته، مانع اصلاح آن اندیشه‌ها گردد.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-24]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1389.1.8.7.0]

به نظر استادان مصاحبه‌شونده، داشتن نگرش جهانی مانع وابستگی‌های محلی و بومی می‌شود و امکان نقد اندیشه‌های خودی را فراهم می‌کند و از این طریق منابع بیشتری را برای رشد اندیشه در اختیار دانشمندان قرار می‌دهد. در مقابل ملی‌گرایی افراطی از یک طرف مانع توجه به اندیشه‌های دیگر می‌شود و از طرف دیگر، از نگرش نقادانه به مفاهیم و اندیشه‌های موجود جلوگیری و رشد علم را با مشکل مواجه می‌کند. آن‌ها در اظهارات خود، نحوه برخورد با اندیشه‌های گذشتگان را با دو ویژگی فرهنگی مرتبط دانسته و گفته‌اند: خودکم‌بینی از طریق تخریب و تضعیف اندیشه‌های موجود و خودبرتربینی با ممانعت از نقد و شک‌ورزی در مفاهیم و نظریه‌های موجود، رشد جامعه‌شناسی را با مشکل مواجه می‌کند. بنابراین می‌توان گفت مصاحبه‌شوندگان، پیامدهای نحوه برخورد با اندیشه‌های گذشته را در دو بعد بیان کرده‌اند:

الف) پیامدهای چگونگی توجه به اندیشه‌های اجتماعی گذشته یا نحوه کاربرد آن‌ها در مسائل موجود: وضعیت تعادل در برخورد با اندیشه‌های گذشته (میزان شیفتگی یا نفرت نسبت به اندیشه‌های از پیش موجود)، میزان توجه به ریشه‌های تاریخی اندیشه و پیوند آن با اندیشه‌های معاصر، میزان نگرش انتقادی به اندیشه‌های گذشته، میزان توجه به بزرگان و افتخارات ملی.

ب) وضعیت تأکید بر خود در مقابل دیگری و ملی‌گرایی: میزان توجه به اندیشه‌های دیگران، میزان توجه به اشتراکات جهانی اندیشه، میزان کل‌نگری و میزان شکل‌گیری تفکر انتزاعی، میزان تعامل با دیگری، میزان شکل‌گیری اندیشه واکنشی در مقابل اندیشه‌های دیگری، میزان قیاس با دیگری و آگاهی از نقاط قوت و ضعف اندیشه‌های موجود، نحوه برخورد با اندیشه‌های دیگری.

تلفیق مفاهیم حاصل از چهارچوب نظری و شاخص‌های حاصل از مصاحبه

همان‌طور که اشاره شد برای ارائه مدلی تحلیلی به منظور تبیین وضعیت رشد جامعه‌شناسی در ایران نمی‌توان تنها به مفاهیم نظری استناد کرد. زیرا رشد علم در هر جامعه‌ای با توجه به شرایط خاص آن جامعه ممکن است تحت تأثیر عوامل متفاوتی قرار بگیرد. به این دلیل پرسش‌هایی براساس مقوله‌های حاصل از چهارچوب نظری تنظیم شد و طی مصاحبه با استادان

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-24]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1389.1.8.7.0]

جامعه‌شناسی دانشگاه‌های تهران، رابطه آن مقوله‌ها با جامعه ایران و نیز چگونگی تأثیرگذاری آن‌ها بر رشد جامعه‌شناسی مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها مؤید تأثیر مقوله‌های حاصل از چهارچوب نظری بر رشد جامعه‌شناسی در ایران بوده است. بنابراین در این بخش شاخص‌ها و مؤلفه‌های حاصل از مصاحبه با مقوله‌های حاصل از چهارچوب نظری تلفیق شده و در جداول تفصیلی ۱، ۲ و ۳ نشان داده شده است.

جدول ۱. ارتباط مؤلفه تمایزپذیری و شاخص‌های حاصل از مصاحبه در درون و بیرون فضای جامعه‌شناسی

میزان تمایزپذیری	درون فضای جامعه‌شناسی	میزان شکل گیری هویت رشته‌ای		میزان توجه دقیق و عمیق پژوهش‌گران به مسال
				میزان تخصص‌های مختلف برای رشته جامعه‌شناسی مانند جامعه‌شناسی نظری و...
				وضعیت منزلت اجتماعی جامعه‌شناسان
				میزان مطالعات بین رشته‌ای و دید میان‌رشته‌ای
				تعداد دروس تدریس‌شدهٔ استاد
	بیرون از فضای جامعه‌شناسی	میزان تفکیک معرفتی (قلمروهای مختلف فکری)		میزان تسلط قلمروهای مختلف فکری بر یکدیگر
				میزان به رسمیت شناختن تخصص‌های مختلف و حمایت از آن‌ها
				میزان اعتماد به تخصص‌ها و مراجعه به آن‌ها
				میزان هم‌سویی تغییرات سازمانی، ارزشی و نظام‌های فکری با یکدیگر
				میزان تعامل قلمروهای مختلف فکری و اعضای آن‌ها با یکدیگر
			پیامدهای عینی	میزان استقلال دانشگاه‌ها
				میزان شایسته‌سالاری علمی و دخالت دولت در سلسله‌مراتب علمی دانشگاهی
				میزان شکل‌گیری نهاد علمی به جای سازمان علمی
				میزان وابستگی مالی دانشگاه‌ها به دولت
				میزان احساس امنیت نخبگان و انزوا و مهاجرت آن‌ها
				میزان توزیع عادلانه اطلاعات برای انجام پژوهش
				وضعیت زمان چاپ آثار علمی و سیستم‌های نظارتی حاکم بر چاپ اثر
				میزان اعتماد دولتمردان به جامعه‌شناسی و حمایت‌های ساختاری و تقاضا نسبت به آن
			پیامدهای ذهنی	میزان شکل‌گیری اندیشه واکنشی و ایدئولوژیک
				میزان ارزش‌گذاری اندیشه‌های اجتماعی بیان شده
				وضعیت منزلت نقد و نقادی
				میزان محافظه‌کاری جامعه‌شناسان در بیان نظر واقعی خود در مورد مسائل گوناگون اجتماعی
				میزان امکان ورود پژوهش‌گران به برخی مسائل و میزان هراس آن‌ها از اعلام نتایج واقعی بعضی از پژوهش‌ها

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-24]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1389.1.8.7.0]

جدول ۲. ارتباط مؤلفه یکپارچگی و شاخص‌های حاصل از مصاحبه در درون فضای جامعه‌شناسی

میزان یکپارچگی در درون فضای جامعه شناسی	میزان شکل گیری اجتماعات علمی	پیامدهای وجود میزانی از همکاری علمی در بین جامعه‌شناسان	میزان کتاب‌ها و پژوهش‌های مشترک بین استادان
			وضعیت انجام کار جمعی مدنی به جای کار جمعی بوروکراتیک
			میزان ارجاع جامعه‌شناسان به یکدیگر
			میزان پاداش برای کارهای گروهی
			وضعیت نظام ارتقای کنش‌گران جامعه‌شناسی
			میزان رابطه پایدار بین استادان و دانشجویان
			میزان تعامل و گفتگوی اعضا با یکدیگر
			میزان ارزیابی و نقد کارهای یکدیگر
			میزان اطلاع از دستاوردهای یکدیگر
		پیامدهای وجود اجماع علمی در رشته	تعداد افراد شاخص در این رشته
			میزان توافق در مورد اصول بنیادی رشته جامعه‌شناسی
			میزان مجلات، فصلنامه‌ها و حلقه‌های فکری برجسته و میزان اعتبار مجله‌های موجود
			وضعیت اخلاق علمی
			میزان اتفاق نظر بین اصحاب جامعه‌شناسی در مورد مسائل اساسی ایران
			میزان تداوم‌پذیری اندیشه‌های اجتماعی و تمرکز پژوهش‌ها و مطالعات
			وضعیت سطح دانش، استعداد، انگیزه و مهارت افراد (سطح فرهیختگی و مهارت)
	میزان پیوستگی با اجتماع علمی جهانی	پیامدهای میزان ارتباطات بین‌المللی جامعه‌شناسی	میزان همکاری با جامعه‌شناسان کشورهای دیگر در طرح‌های ملی
			میزان همکاری با انجمن‌های علمی کشورهای دیگر مانند شرکت در سمینارها
			میزان عرضه تولیدات داخلی در سطح جهانی (با توجه به مسائل سیاسی و زبان بین‌المللی)
			میزان امکانات تعاملی مانند اینترنت پرسرعت و اخذ ویزا
			میزان تأکید بر جامعه‌شناسی بومی و محلی
		چگونگی استفادهٔ جامعه‌شناسان ایرانی از مفاهیم و نظریه‌های غربی	میزان نگرش تحلیلی انتقادی به مفاهیم و نظریه‌های وارداتی و میزان تطبیق آن‌ها با شرایط اجتماعی فرهنگی
			میزان اعتماد به نفس و میزان اعتماد به یافته‌ها و عقاید خودی
			وضعیت تدریس نظریه‌ها و استفاده از نظریه‌های عمومی
			وضعیت ارتباط بین نظریه‌ها، محیط پیرامون و پژوهش
			وضعیت چارچوب‌های مفهومی و نظری موجود در رشته از حیث وارداتی یا بومی بودن
			وضعیت ارزش‌های مورد تأکید در آموزش و پژوهش از نظر تقلید، حفظ و ترجمه یا خلاقیت و نوآوری

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-24]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1389.1.8.7.0]

جدول ۳. ارتباط مؤلفه یکپارچگی و شاخص‌های حاصل از مصاحبه در بیرون از فضای جامعه‌شناسی

میزان یکپارچگی بیرون از فضای جامعه‌شناسی	میزان پیوستگی نهادی(تعامل نهاد علم و جامعه)		میزان ارائه نظریه و راهکار برای حل مسائل اجتماعی توسط افراد غیرمتخصص
			میزان احساس نیاز به جامعه‌شناسی و تقاضا از آن
			میزان سرعت عمل جامعه‌شناسان در برخورد با مسائل اجتماعی
			وضعیت جامعه‌شناسی تحلیلی در ایران
			میزان آگاهی جامعه‌شناسان از مسائل موجود
			میزان مسائل اجتماعی حل شده و کارآیی جامعه‌شناسی در عمل
	میزان پیوستگی معرفتی(تعامل اندیشه‌های گذشته با واقعیت امروز)	نحوه برخورد با اندیشه‌های اجتماعی گذشته ایران و چگونگی کاربرد آن‌ها در حل مسائل موجود	میزان تعادل در برخورد با اندیشه‌های گذشته (میزان شیفتگی یا نفرت نسبت به اندیشه‌های موجود)
			میزان توجه به ریشه‌های تاریخی اندیشه و پیوند آن با اندیشه‌های معاصر
			میزان نگرش انتقادی نسبت به اندیشه‌های گذشته
			میزان توجه به بزرگان و افتخارات ملی
		میزان تأکید بر خود در مقابل دیگری و ملی گرایی	میزان توجه اشتراکات جهانی اندیشه
			میزان تعامل با دیگری و میزان شکل‌گیری اندیشه واکنشی در مقابل اندیشه‌های دیگری
			میزان قیاس با دیگری و آگاهی از نقاط قوت و ضعف اندیشه‌های موجود
			نحوه برخورد با اندیشه‌های دیگری
			میزان توجه به اندیشه‌های دیگران
			میزان کل‌نگری و شکل‌گیری تفکر انتزاعی

استخراج مدل پیشنهادی از جداول

بر اساس تلفیق مفاهیم و مقوله‌های حاصل از چهارچوب نظری و شاخص‌های حاصل از مصاحبه‌ها می‌توان گفت در تبیین رشد جامعه‌شناسی، دو ویژگی ساختاری و معرفتی تمایزپذیری و یکپارچگی نقش مهمی ایفا می‌کنند. به‌طوری که میزان تمایزپذیری در درون فضای جامعه‌شناسی از طریق میزان شکل‌گیری هویت رشته‌ای و در بیرون از فضای

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-24]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1389.1.8.7.0]

جامعه‌شناسی از طریق میزان تفکیک نهادی (استقلال نهاد علم از سیاست) و میزان تفکیک معرفتی، رشد جامعه‌شناسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به همین ترتیب میزان یکپارچگی در درون فضای جامعه‌شناسی از طریق میزان شکل‌گیری اجتماع علمی (پیوستگی بین اعضا) و میزان پیوستگی جامعه‌شناسی با اجتماع علمی جهانی (میزان مشارکت در آن) و بیرون از فضای جامعه‌شناسی، توسط میزان پیوستگی نهادی (تعامل نهاد علم و جامعه) و میزان پیوستگی معرفتی (تعامل اندیشه‌های گذشته با واقعیت امروز) تعیین‌کننده رشد جامعه‌شناسی هستند. چگونگی ارتباط این مؤلفه‌ها در مدل پیشنهادی صفحه بعد نشان داده شده است.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-24]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1389.1.8.7.0]

مدل پیشنهادی برای تبیین وضعیت رشد جامعه‌شناسی در ایران

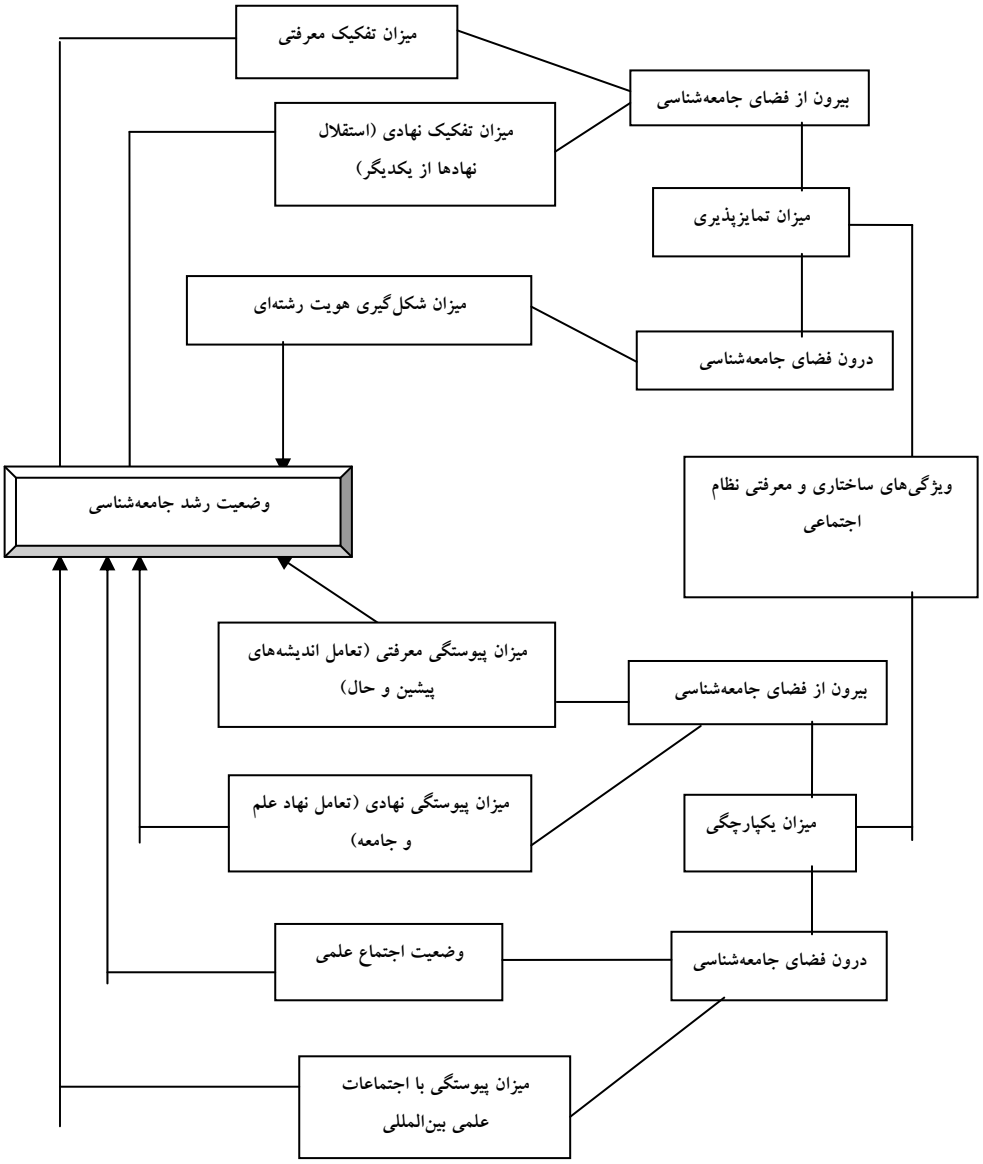

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-24]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1389.1.8.7.0]

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر در پی ارائه مدلی تحلیلی برای تبیین وضعیت رشد جامعه‌شناسی در ایران تدوین شده است. از آن‌جا که آگاهی از جایگاه رشد یک رشته دانشگاهی، نقش مهمی در توسعه و پیشبرد اهداف آن رشته دارد، به نظر می‌رسد آگاهی از وضعیت رشد جامعه‌شناسی بتواند راه‌گشای مسیر پیشرفت آن باشد. با توجه به این‌که دستاوردهای این رشته در این سال‌ها با ارزیابی‌های کاملاً متضادی روبه‌رو شده است، بررسی وضعیت رشد آن اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. بر این اساس این مقاله با استفاده از روش اسنادی و مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته با استادان جامعه‌شناسی دانشگاه‌های تهران به معرفی مفاهیم و شاخص‌های تبیین‌کننده رشد جامعه‌شناسی در ایران پرداخته است. بر اساس مبادی نظری، وجود دو ویژگی ساختاری و معرفتی تمایزپذیری و یکپارچگی اجتماعی در هر جامعه‌ای برای تولید علم و اندیشه الزامی است. به نظر مصاحبه‌شوندگان، وجود هم‌زمان دو ویژگی تمایزپذیری و یکپارچگی اجتماعی در عرصه‌های بیرونی و درونی نهاد علم، رشد جامعه‌شناسی در ایران را به دنبال خواهد داشت. به نظر آن‌ها از آن‌جا که تولید علم و اندیشه حاصل پیوند نگرش جزیی و کلی است، برای تولید آن باید از نظر زمانی، دیالکتیکی بین گذشته، حال و آینده، از جهت مکانی، ارتباطی بین این‌جا و آن‌جا، از نظر روان‌شناختی، اعتقاد به خود و دیگری و از نظر چارچوب محلی، دید محلی و جهانی به‌طور هم‌زمان وجود داشته باشد تا اندیشه و نظریه به منصه ظهور برسد. در غیر این صورت، تمایزپذیری مفرط در بعضی زمینه‌ها به دلیل نبود کلیت وحدت‌بخش مانع نگرش تلفیقی و ترکیبی شده و تولید اندیشه را با مشکل مواجه می‌کند و در زمینه‌های دیگر یکپارچگی و همبستگی مفرط مانع جزءنگری و پیوند اندیشه با واقعیت‌های عینی شده و به شکلی دیگر مانع تولید علم می‌شود.

ویژگی ساختاری تمایزپذیری از طریق تفکیک معرفتی و تفکیک نهادی و ویژگی معرفتی تمایزپذیری از طریق شکل‌گیری هویت رشته‌ای وضعیت رشد جامعه‌شناسی را تبیین می‌کند. به همین ترتیب ویژگی ساختاری یکپارچگی به واسطه پیوستگی معرفتی و پیوستگی نهادی و ویژگی معرفتی یکپارچگی از طریق شکل‌گیری اجتماعات علمی و پیوستگی با اجتماع علمی جهانی به تبیین وضعیت رشد جامعه‌شناسی کمک خواهند کرد.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-24]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1389.1.8.7.0]

براساس یافته‌های این پژوهش، تمایزپذیری و یکپارچگی در قلمروهای معرفتی، با تفکیک اهداف و روش‌های قلمروهای مختلف از جمله علم از طرفی و تعامل و داد و ستد قلمروهای گوناگون با یکدیگر از طرف دیگر چگونگی رشد جامعه‌شناسی را تبیین خواهد کرد. وجود هم‌زمان این دو ویژگی ساختاری از نظر نهادی مانع تسلط نهادهای گوناگون بر یکدیگر می‌شود و شرایط را برای تعامل آن‌ها فراهم می‌کند. در نتیجه در حوزه جامعه‌شناسی، تمایز نهادی مانع تسلط نهاد سیاست و دولت بر نهاد علم می‌شود و یکپارچگی نهادی منجر به تعامل آن با جامعه و واقعیت‌های اجتماعی و مسائل آن می‌گردد و رشد جامعه‌شناسی را تسهیل می‌کند. علاوه بر این، پیوستگی و یکپارچگی در حوزه معرفتی، امکان نقد و بررسی اندیشه‌های گذشته در پرتو واقعیت‌های روز را فراهم کرده و در تبیین چگونگی رشد جامعه‌شناسی مؤثر خواهد بود. به همین ترتیب پیوستگی بین اعضای رشته جامعه‌شناسی به اجماع و شکل‌گیری اجتماع علمی منجر می‌شود و به رشد جامعه‌شناسی می‌انجامد. در نهایت میزان پیوستگی اجتماع علمی جامعه‌شناسی با اجتماعات علمی بین‌المللی و مشارکت آن‌ها در سطح جهانی نیز تبیین‌کننده وضعیت رشد جامعه‌شناسی خواهد بود.

منابع

آرون، ریمون (۱۳۸۱) *مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه باقر پرهام، تهران: علمی و فرهنگی.

آشتیانی، منوچهر (۱۳۸٤) *جامعه‌شناسی شناخت کارل مانهایم*، تهران: قطره.

توسلی، غلام عباس (۱۳۸۰) «تأملی در آینده علوم اجتماعی در ایران»، *جستارهایی در جامعه‌شناسی معاصر*، تهران: جامعه ایرانیان.

توکل، محمد (۱۳۷۰) *جامعه‌شناسی علم*، تهران: نص.

حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸٤) *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*، چاپ یازدهم، تهران: سمت.

دورکیم، امیل (۱۳۸۱) *درباره تقسیم کار اجتماعی*، ترجمه باقر پرهام، چاپ دوم، تهران: مرکز.

قانعی راد، محمد امین (۱۳۸۳) «گفتگوی پیش‌الگویی در جامعه‌شناسی ایران»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره پنجم، شماره ۱: ۵-۳۹.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-24]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1389.1.8.7.0]

قانعی‌راد، محمد امین (۱۳۸٤) *جامعه‌شناسی رشد و افول علم در ایران (دوره اسلامی)*، تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.

کوهن، تامس. س (۱۳٦۹) *ساختار انقلاب‌های علمی*، ترجمه احمد آرام، تهران: سروش.

کرایب، یان (۱۳۸۹) *نظریه اجتماعی کلاسیک*، شهناز مسمی‌پرست، تهران: آگه.

کرایب، یان (۱۳۸۹) *نظریه اجتماعی مدرن از پارسونز تا هابرماس*، ترجمه عباس مخبر، تهران: آگه.

گلوور، دیوید و دیگران (۱۳۸۳) *جامعه‌شناسی معرفت و علم*، ترجمه شاپور بهیان و دیگران، تهران: سمت.

مانهایم، کارل (۱۳۸۰) *ایدئولوژی و اوتوپیا: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی شناخت*، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

محسنی، منوچهر (۱۳۷۰) *جامعه‌شناسی عمومی*، تهران: کتابخانه طهوری.

مولکی، مایکل (۱۳۷٦) *علم و جامعه‌شناسی معرفت*، حسین کچوئیان، تهران: نی.

Alatas, Seyed Farid (2001) "Alternative Discourses in Southeast Asia", *Sari* 19: 49-67.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-24]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1389.1.8.7.0]